Your English Toolbox

VOCABULARY · EPISODE 229

Keep Your Cool: 4 Idioms About Control

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

4 idioms and 4 additional expressions

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1

keep your cool

آرامش خود را حفظ کردن

DEF

Stay calm when a situation is difficult or stressful.

An informal idiom; it does not mean ignoring a problem.

FA

در موقعیت دشوار یا پراسترس آرام ماندن.

این اصطلاح غیررسمی به معنی نادیده گرفتن مشکل نیست.

She kept her cool when the lights failed.

وقتی چراغ‌ها خاموش شدند، او آرامشش را حفظ کرد.

Try to keep your cool during the interview.

در طول مصاحبه سعی کن آرامشت را حفظ کنی.

2

lose your grip

کنترل را از دست دادن

DEF

Stop managing or controlling a situation effectively.

The figurative sense describes control; a literal grip means holding something firmly.

FA

دیگر نتوانستن یک موقعیت را به‌خوبی مدیریت یا کنترل کرد.

معنای استعاری به کنترل اشاره دارد؛ grip در معنای واقعی گرفتن محکم چیزی است.

The manager began to lose her grip on the project.

مدیر شروع کرد به از دست دادن کنترل پروژه.

He felt he was losing his grip on the schedule.

او احساس کرد کنترل برنامه را از دست می‌دهد.

3

in the driver's seat

کنترل را در دست داشتن

DEF

In the position of controlling decisions or direction.

Figurative use does not require a vehicle; it describes who is in control.

FA

در جایگاهی بودن که تصمیم‌ها یا مسیر را کنترل می‌کند.

در معنای استعاری به وسیله نقلیه نیازی نیست؛ عبارت نشان می‌دهد چه کسی کنترل دارد.

The client is in the driver's seat on this project.

کنترل این پروژه در دست مشتری است.

You made the plan, so you're in the driver's seat.

تو برنامه را چیدی، پس کنترل دست توست.

4

get out of hand

از کنترل خارج شدن

DEF

Become difficult or impossible to control.

Often used for a situation that has grown worse; it is not the same as choosing to give someone control.

FA

دشوار یا ناممکن شدن کنترل چیزی.

اغلب برای موقعیتی به کار می‌رود که بدتر شده است؛ با واگذاری عمدی کنترل فرق دارد.

The meeting got out of hand after the argument.

جلسه پس از مشاجره از کنترل خارج شد.

We acted before the costs got out of hand.

پیش از آنکه هزینه‌ها از کنترل خارج شوند، اقدام کردیم.

5

lose your cool

آرامش خود را از دست دادن

DEF

Become angry or upset instead of remaining calm.

The opposite of keep your cool; the possessive changes with the person.

FA

به جای آرام ماندن، عصبانی یا آشفته شدن.

مخالف keep your cool است؛ واژه ملکی در انگلیسی با شخص تغییر می‌کند.

He lost his cool during the argument.

او هنگام مشاجره آرامشش را از دست داد.

I nearly lost my cool when the light failed.

وقتی چراغ خراب شد، نزدیک بود آرامشم را از دست بدهم.

6

take a breath

نفس عمیق کشیدن

DEF

Pause and breathe, often to calm yourself before acting.

A common gentle suggestion in a stressful moment.

FA

مکث کردن و نفس کشیدن، اغلب برای آرام شدن پیش از انجام کاری.

یک پیشنهاد ملایم و رایج در لحظه‌ای پراسترس است.

Take a breath before you answer.

پیش از پاسخ دادن یک نفس عمیق بکش.

She took a breath and called the driver.

او نفس عمیقی کشید و به راننده زنگ زد.

7

stuck in traffic

در ترافیک گیر کردن

DEF

Unable to move quickly because there are many vehicles on the road.

Often used to explain a delay.

FA

به علت تعداد زیاد خودروها در جاده نتوانستن سریع حرکت کرد.

اغلب برای توضیح تأخیر به کار می‌رود.

The van was stuck in traffic.

خودرو در ترافیک گیر کرده بود.

I arrived late because I was stuck in traffic.

دیر رسیدم چون در ترافیک گیر کرده بودم.

8

in charge

مسئول بودن

DEF

Responsible for managing or directing something.

Often followed by of and a noun naming the responsibility.

FA

مسئول مدیریت یا هدایت چیزی بودن.

در انگلیسی اغلب پس از آن of و اسم حوزه مسئولیت می‌آید.

Anna is in charge of the exhibition.

آنا مسئول نمایشگاه است.

Who is in charge of the team?

چه کسی مسئول گروه است؟